



دسمبر ۲۰۲۳



گزارش مختصر پیرامون مشوره ها با زنان در سطح کشور

تصویر: سازمان ملل متحد برای خانم ها/سیدحبيب بیدل

پس منظر

«آرزومندیم که پیام ما به گوش جهانیان برسد و ما در امر مبارزه در راستای دستیابی به حقوق خود، احساس تنهایی نکنیم.»

این گزارش مختصر ارائه کننده دیدگاه های زنان سرتاسر افغانستان پیرامون وضعیت موجود و اولویت های آنان می باشد. گزارش هذا بازتاب دهنده تازه ترین مجموعه مشوره های ربحوار که با زنان افغان صورت گرفته اند، می باشد و تجارب و توصیه های پالیسی آنان را پس از حاکمیت طالبان در ماه اگست سال ۲۰۲۱ تحت پوشش قرار می دهد.^۱ مقامات بالفعل با صدور نزدیک به ۷۰ فرامین و احکام بر حقوق اولیه و آزادی های بنیادی زنان محدودیت اعمال نموده است و به صورت عموم آنها را از مشارکت در آینده خود و کشور شان محروم ساخته اند. مشوره کردن با زنان افغان ما را کمک نموده است تا تجارب، آرزو ها و هراس آنان را به درستی درک نماییم و هدف آن تقویت صدای زنان در مجامع ملی و بین المللی می باشد.

دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) مشترکاً از میان ۳۴ ولایت افغانستان در ۳۳ ولایت آن مشوره ها و سروی های حضوری و آنلاین را با ۴۶۲ تن از زنان انجام داده اند.^۲ زنان در پروسه ربحوار (از ماه اگست تا ماه اکتوبر سال ۲۰۲۳) دیدگاه های شان را در میان گذاشتند که بازتاب دهنده تجارب، اولویت ها و توصیه های آنها برای سازمان ملل متحد، کشور های عضو سازمان ملل متحد و سایر دست اندرکاران بین المللی می باشد، تا در تحقق حقوق زنان در افغانستان بهبودی رونما گردد. در جریان این پروسه با زنانیکه مسئولیت سرپرستی خانواده های خود را بر عهده دارند، زنان بیجا شده داخلی و زنان جوامع میزبان، زنانیکه در مناطق روستایی، حومه شهر و مناطق شهری به سر می برند، زنان دارای شغل و زنان بیکار، و زنانیکه از سن و سال، حالت مدنی، قومیت و پیشینه تحصیلی متفاوت برخوردار اند، مشوره صورت گرفته است.

^۱ دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) مشترکاً به صورت ربحوار با زنان افغان در داخل کشور مشوره می نمایند. گزارشات مشوره مرتبط به ماه های جولای (July ۲۰۲۳)، اپریل (April ۲۰۲۳) و جنوری سال ۲۰۲۳ (January ۲۰۲۳) و ماه های اگست/سپتامبر سال ۲۰۲۲ (August/September ۲۰۲۲) می باشند.

^۲ انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، سال ۲۰۲۳. پیگیری رفتار (سوء) طالبان با زنان. در لینک ذیل (Tracking the Taliban's (Mis)Treatment of Women) قابل دسترس می باشد.

^۳ این مشوره ها با اشتراک کنندگان تمام ولایات، به استثنای لوگر و نورستان برگزار شده اند.

فشرده یافته های کلیدی

- دسترسی به آموزش و اشتغال عبارت از کلیدی می باشد که به مشکلات متعدد، منجمله بحران روزافزون صحت روانی در میان زنان و دختران و پیامد های ناگوار فقر و بازماندن دختران از آموزش، مانند ازدواج قبل از وقت و ازدواج اطفال، کار اطفال، خشونت خانوادگی و مهاجرت غیرقانونی، رسیدگی می نماید.
- زنان خاطر نشان نمودند که سطح تحصیل و توانمندسازی اقتصادی بر تصمیم گیری خانواده و جامعه اثرگذار می باشد. به باور آنها، آموزش و اشتغال عبارت از کلید مشروعیت دادن به زنان و مشارکت آنها به تصمیم گیری، می باشد. محدودیت های کنونی که زنان و دختران را مورد هدف قرار داده اند، خطر تقویت باور های ناپسند موجود مبنی بر اینکه گویا زنان فاقد دانش و قدرت اند، را با خود دارد و باعث می شود تا نسلی از زنان فاقد شایستگی و مهارت های رهبری باقی بمانند.
- در سطح نفوذ زنان در خانه، خانواده بزرگتر و جامعه روی هم رفته در تمام ربع های سال جاری، کاهش رونما گردیده است. تنها در جریان ۱۰ ماه، میزان زنانیکه سطح نفوذ «خوب» یا «کامل» را در خانواده گزارش داده اند، از ۹۰ درصد در ماه جنوری ۲۰۲۳ به ۳۹ درصد در ماه نوامبر ۲۰۲۳ کاهش یافته است. ارقام گزارش شده در مورد سطح نفوذ زنان در جامعه، از ۱۷ درصد به ۵ درصد کاهش یافته است.
- تقریباً نیم (۴۸ درصد) زنانیکه به آنها مشوره صورت گرفته است، خاطر نشان نموده اند، که با گذشت زمان سختگیری در تطبیق محدودیت ها بیشتر شده است - قابل یاد آور است که این رقم از ۶۲ درصد در ماه جولای کاهش یافته است. این در حالی است که تعداد قابل ملاحظه زنان (۳۲ درصد) گزارش داده اند که به نظر آنها سختگیری در تطبیق محدودیت ها کمتر شده است و توقع می رود با گذشت زمان بیشتر کاهش یابد - این رقم از ۱۹ درصد در ماه جولای افزایش یافته است^۴. این ارقام به نحوی دلالت به احتمال عادی سازی پالیسی ها و سنت های محدود کننده جنسیتی توسط مقامات بالفعل می نماید، زیرا به نظر می رسد که زنان آرام آرام با محدودیت های وضع شده سازگاری حاصل نمایند و در نتیجه احتمال دارد با تطبیق آن بدون نشان دادن هیچگونه عکس العمل آرامش خود را حفظ نمایند.
- همچنان، یافته های مشوره ها نشان داده است که زنان با مشکلات شدید صحت روانی مواجه اند، قسمی که ۷۶ درصد زنان خاطر نشان نموده اند که از صحت روانی «بسیار بد» یا «بد» برخوردار اند. مشکلات صحت روانی مانند افسردگی و بی خوابی باعث بروز یکسره مشکلات جسمی مانند خستگی، بی اشتها و سردردی در میان زنان و دختران شده است.
- تقریباً بیشتر از نصف (۵۳ درصد) پاسخ دهندگان اظهار داشته اند که زنان در جوامع مربوطه شان از عوامل و پیامد های تغییرات اقلیم آگاهی دارند. آنها خاطر نشان نموده اند که زنان افغان می توانند در رسیدگی به این موضوع مشارکت مناسب داشته باشند، مثلاً از طریق ایجاد کمیته های کاهش خطرات ناشی از حوادث طبیعی و رسیدگی به حفاظت از محیط زیست، راه اندازی بحثها و رهبری کمپاین های آگاهی دهی عامه.
- حوادث اضطراری بشردوستانه اخیر و جاری، به شمول وقوع زلزله مؤرخ ۸ اکتوبر ۲۰۲۳ در غرب افغانستان و عودت اجباری افغان ها از پاکستان، که اکثریت آنها را زنان و اطفال تشکیل می دهند، زنان را به گونه نامتناسب متاثر ساخته و سبب شده است تا زنان و دختران افغان از بحران های جاری بیشتر آسیب ببینند. همچنان، پالیسی های آگنده از تبعیض مقامات بالفعل، به شمول ممنوعیت کار زنان در مؤسسات غیردولتی، هنوز هم روند ارائه کمک های بشردوستانه پاسخگو در برابر نیازمندیها جنسیتی را به مخاطر انداخته است.

توصیه ها:

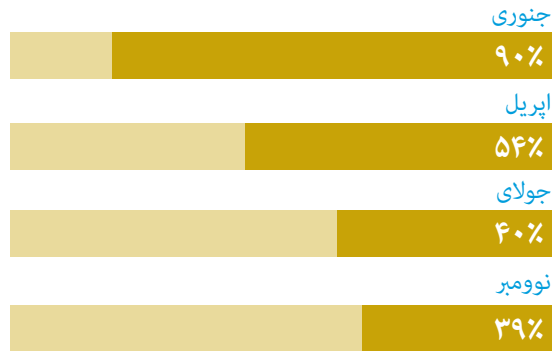
- زنان از جامعه بین المللی درخواست کردند که با پیوند دادن کمکها به شرایط بهتر برای زنان و تسهیل فرصتها برای گفتگوی مستقیم با طالبان، بر DFA فشار بیاورد. بسیاری از زنان این درخواست را برای ایجاد مسیرهایی برای مشارکت زنان به عنوان یکی از تنها راه های مشارکت در تصمیم گیری های عمومی تاکید کردند.
- زنان فرمودند که با توجه به محدودیتها و رویه های فعلی DFA، سازمان ملل متحد و نمایندگان بین المللی که در سطح محلی کار می کنند، در عمل، بهترین کار این است که مستقیماً DFA را برای لغو محدودیتها و مذاکره درباره معافیت های محلی مشارکت دهند.
- زنان همچنان از سازمان ملل متحد و نمایندگان بین المللی که با DFA ملاقات می کردند خواستند تا بر ضرورت گنجاندن زنان به عنوان نیمی از جمعیت از طریق استدلال مبتنی بر کارآیی تأکید کنند و اعضای مرد خانواده و جامعه و رهبران مذهبی مرد و قبیله ای را برای حمایت از این امر مشارکت دهند.
- زنان همچنان از بازیگران بین المللی برای حمایت از اقتصاد و توانمندسازی زنان، از جمله پرداختن به فقر و سلامت روان منفی و سایر پیامدها و افزایش نفوذ و دسترسی زنان به تصمیم گیری، ترغیب می کردند.

^۴ دنیا/اطلاعات جمع آوری شده از لحاظ احصائوی نمایندگی می کند، و با گذشت زمان از نگاه نمایندگی حوزوی تغییر می یابد. اعداد باید حین خوانش به عنوان شاخص رویداد های موجود مدنظر گرفته شوند.

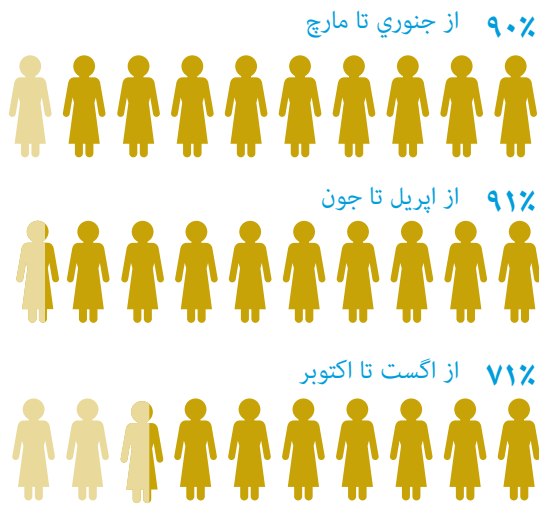
زنانی که تأثیر "خوب" یا "کامل" را بر جامعه گزارش می دهند.



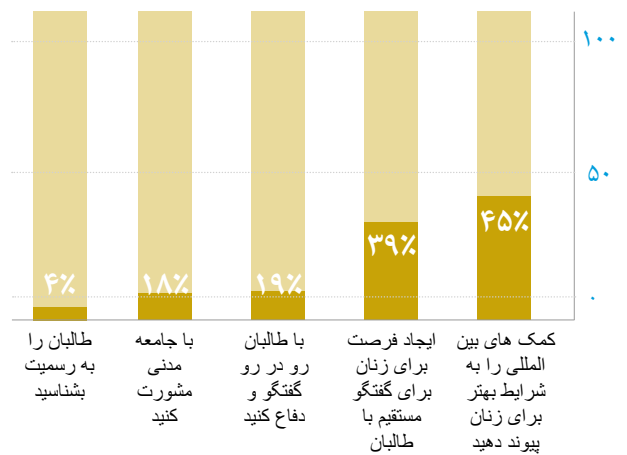
زنانی که تأثیر "خوب" یا "کامل" را بر خانواده گزارش می دهند.



از اگست تا اکتوبر، هفتاد و یک درصد از زنان افزایش اضطراب، تنهایی، و افسردگی/افسردگی را گزارش کردند که نشان دهنده افزایش مداوم بیماری روانی است.



جامعه جهانی برای بهبود وضعیت زنان در تعامل با طالبان چه کاری می تواند انجام دهد؟^۵



^۵ به خاطر داشته باشید که زنان قادر بودند که برای این پرسش بیش از یک پاسخ را انتخاب نمایند.

«اجازه دهید صدای ما شنیده شود و افغانستان از بدبختی نجات یابد».

محدودیت های که بیشتر بر زندگی زنانیکه با آنها مشوره صورت گرفته است و اعضای خانواده آنها اثرگذار بوده اند قرار ذیل اند: ممنوعیت آموزش دختران بالاتر از صنف ششم (۳۴ درصد)، ممنوعیت کار زنان، علی الخصوص در مؤسسات غیردولتی ملی و بینالمللی و سازمان ملل متحد (۲۰ درصد)، و دستور در خانه ماندن کارمندان دولتی زن (۱۲ درصد) و ممنوعیت آزادی حرکتی زنان (۲۱ درصد). هنوز هم زنان از جامعه بینالمللی می خواهند که از میان برداشتن محدودیت های وضع شده در برابر آموزش زنان و دختران (تعلیمات ثانوی و پوهنتون) را در صدر اولویت های خود قرار دهند و باید از طریق بهبود درآمد و فرصت های اقتصاد از نزدیک دنبال شود.

با توجه به ناامیدی عمیقی که زنان سروی شده توسط سازمان ملل متحد به صورت ربعوار در پیوند با از دست دادن فرصت ها، استقلالیت و نمایندگی ارائه نموده اند، نظرسنجی که در این اواخر در ماه جولای ۲۰۲۳ توسط گالوپ راه اندازی شده است، حاکی از آنست که صرف ۱۱ درصد زنان افغان اظهار داشته اند که از آزادی انتخاب طرز زندگی کردن رضایت دارند.^۱ این از یک کاهش قابل ملاحظه نمایندگی می نماید، زیرا در سال ۲۰۲۳ این رقم به ۲۹ درصد می رسید در میان تمام جمعیت های که تا کنون گالوپ در آن نظرسنجی را راه اندازی نموده است، و یک ریکارد جدید پایین به حساب می رود.

آموزش و اشتغال



دستوری به آموزش و اشتغال عبارت از کلیدی می باشد که به مشکلات متعدد، منجمله بحران روز افزون صحت روانی در میان زنان و دختران و پیامد های ناگوار فقر و بازماندن دختران از آموزش، مانند ازدواج قبل از وقت و ازدواج اطفال، کار اطفال، خشونت خانوادگی و مهاجرت غیرقانونی، رسیدگی می نماید. زنانیکه با آنها مشوره صورت گرفته است، توضیح داده اند که فقر چگونه می تواند باعث عدم مصونیت غذایی^۲ و محدودیت دسترسی به خدمات صحتی و ادویه و ترانسپورت شود، خاصاً در حالاتیکه بنابر الزامی بودن محرم هزینه ترانسپورت دوچند می شود.^۳ در مناطق روستایی، فقر گسترده می تواند به معنی این باشد که تمام جامعه برای دسترسی به خدمات اساسی، فاقد هرگونه واسطه نقلیه شخصی باشد. حتی قبل از به قدرت رسیدن طالبان، شماری زیادی از جوامع از زیربنا های ضعیف و نبود خدمات صحتی در مناطق دور دست رنج می بردند.

ایجاد فرصت های شغلی، به مثابه ابزار توانمندسازی، استقلالیت و افزایش مشارکت زنان در جامعه پنداشته می شد. آنها به این باور بودند که اشتغال زمینه را برای پرورش فرزندان تحصیل کرده، مشارکت در سلامتی خانواده و نفوذ داشتن در تصمیم گیری در خانواده و فراتر از آن مساعد می سازد. یافته های مشوره های که بین ماه جنوری الی ماه سپتامبر ۲۰۲۳ راه اندازی شده اند، حاکی از آن بوده است که زنان تا حدی کاهش نفوذ شان در تصمیم گیری خانواده را به پایین بودن مشارکت مالی شان نسبت می دهند.^۴ در سطح جهان مشاهده شده است که داشتن درآمد و قابلیت کنترل آن، مستقیماً بر توانایی استدلال زنان در خانه اثرگذار می باشد.^۵

زنان خاطر نشان نمودند که در حال حاضر فرصت های درآمدزایی زنان، منحصر به فعالیت های مورد پسند جامعه و فعالیت های خانگی مانند خیاطی، قالین بافی، صنایع دستی، جواهرات، زراعت و مالداری و برای یکعده زنان کار آنلاین می باشد. اینگونه فعالیت ها، علی الخصوص فعالیت های خانگی، اکثراً به بازار ها وصل نیستند، به ویژه در مناطقی که زنان برای سفر کردن به محرم نیاز دارند و در ساحاتیکه یگانه بازار های زنان مسدود شده اند. زنان از بازیگران بینالمللی تقاضا به عمل آوردند تا حمایت شان را از برنامه های توانمندسازی اقتصادی و معیشت زنان، به شمول بهبود احتمالی در نتایج صحتی و نفوذ زنان، با در نظر داشت پیامد های ناگوار آن، گسترش بخشند.

صحت روانی و روابط اجتماعی



یافته های مشوره های دوامداری که از ماه اگست ۲۰۲۲ بدینسو صورت گرفته است، نشان داده اند که زنان با مشکلات شدید صحت

^۱ گالوپ، سال ۲۰۲۳. «ممنوعیت آزادی، برای زنان افغان فقط رنج به ارمغان می آورد». در لینک ذیل (Freedom Fades, Suffering Remains for Women in Afghanistan) قابل دسترس می باشد. مؤرخ ۱۰ نوامبر.
^۲ همچنان، احتمال زیاد وجود دارد که زنان ستراتیژی های را به منظور رسیدگی به عدم مصونیت غذایی روی دست گیرند، زیرا آنها به غذا های مقوی و کافی دسترسی کمتر دارند، البته به شمول ترجیح دادن تغذیه فرزندان و اقارب مرد شان نسبت به خود. لطفاً به بخش ذیل مراجعه نماید: دفتر CARE سال ۲۰۲۳. پیامد های ناگوار بحران غذایی بالای زنان و دختران افغان، ماه نوامبر سال ۲۰۲۳. در لینک ذیل (The Impact of the Food Crisis on Women and Girls in Afghanistan - November 2023) قابل دسترس می باشد. توقع می رود که بحران و حالت اضطراری عدم مصونیت غذایی حدود ۱۵.۳ میلیون افغان (۳۱ درصد) را در ماه اکتوبر سال ۲۰۲۳ متاثر سازد. لطفاً به بخش ذیل مراجعه نماید: مرحله تصنیف مدغم مصونیت غذایی، سال ۲۰۲۳. افغانستان: وضعیت حاد عدم مصونیت غذایی در ماه اپریل ۲۰۲۳ و پیش بینی برای ماه می تا ماه اکتوبر ۲۰۲۳. در لینک ذیل (Afghanistan Acute Food Insecurity Situation for May - October 2023 and Projection for May - October 2023) قابل دسترس می باشد.
^۳ الزامی بود محرم بدین معناست که باید هم زنان و هم مجارم آنان مخارج ترانسپورت را بپردازند، که به نوبه خود هزینه را دوچند می سازد. در شماری از گزارشات آمده است که حتی امکان دارد تکسی های لینن در کابل از زنان بدون محرم بخواهند که هزینه دربست بپذیرند. لطفاً به گزارش سال ۲۰۲۲ دفتر دوکتوران بی سرحد مراجعه نماید: موانع دوامدار در برابر دسترسی به مراقبت های صحتی در افغانستان: پیامد های ناگوار یک بحران درازمدت و یک وضعیت اقتصادی تکان دهنده. در لینک ذیل (Persistent Barriers to Access Healthcare in Afghanistan: The Ripple Effects of a Protracted Crisis and a Staggering Economic Situation) قابل دسترس می باشد.
^۴ دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، سازمان بینالمللی مهاجرت (IOM) و دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA)، سال ۲۰۲۳. فشرده گزارش مشوره ها با زنان در سرتاسر کشور، ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳. کابل: دفتر امور زنان سازمان ملل متحد. در لینک ذیل (2023 Summary Report of Country-wide Women's Consultations - September) قابل دسترس می باشد.
^۵ بانک جهانی، سال ۲۰۲۱. زنان، تجارت و قانون، سال ۲۰۲۱. واشنگتن دی سی: بانک جهانی. ای. فیلند، آر. پانده، ان. ریگال و دیگران، سال ۲۰۱۶. به حساب وی: آیا توانمندسازی زنان از لحاظ کنترل مالی می تواند سبب افزایش عرضه اشتغال زنان از شود؟ مقاله کاری. کمریج، ام ای. دانشگاه تجارت هاروارد.

روانی مواجهه اند، قسمی که ۷۶ درصد زنان خاطر نشان نموده اند که از صحت روانی «بسیار بد» یا «بد» برخوردار اند. زنان خاطر نشان نمودند که آنها از تنهایی، انزوای اجتماعی و اعتماد به نفس پایین، همچنان اضطراب، استرس و پرخاشگری رنج می برند. اینگونه احساسات باعث بروز مشکلات صحت روانی مانند افسردگی و بی خوابی در میان زنان و دختران شده است و آنان را با یکسده مشکلات جسمی مانند خستگی، بی اشتها و سردردی روبرو ساخته اند. زنان یادآوری نموده اند که در ربع گذشته مشکلات صحت روانی شان وخامت کسب نموده است، که با در نظر داشت نظر به ارقام پایین نظر سنجی یکمقدار تکان دهنده است.^{۱۱} زنان از احساس ناامیدی و بدبینی روزمره شاکی بودند.

به صورت عموم، محدودیت های اعمال شده در برابر زنان و دختران، از موثریت استراتژی های مقابله کننده مثبت و حیاتی و سیستم های حمایت کننده غیررسمی از صحت روانی کاسته است. زنان خاطر نشان نموده اند که تعداد اعضای خانواده و دوستانی که به منظور دستیابی به فرصت های معیشتی بهتر دست به مهاجرت می زنند، افزایش یافته است، که بالنوبه از طریق از دست دادن روابط نزدیک خانوادگی و ارتباطات اجتماعی، پراگندگی اجتماعی را به ارمغان می آورد. همچنان ممنوعیت رفتن زنان به پارک ها، کلب های ورزشی و آرایشگاه ها، نیز باعث کاهش روابط اجتماعی شده است. زنان خاطر نشان نمودند که دیدن خانواده و دوستان برای هر شخصی که از مشکلات صحت روانی رنج می برد می تواند یک تقاضای احساسی باشد و برایش یک فرصت مناسب درد دل کردن باشد، به عوض اینکه اندوهش را بیشتر کند.

گزارشها حاکی اند که تنش ها در درون خانوادهها بخاطر محدودیت ها و فشار های مالی افزایش یافته است، قسمی که شماری از زنان کاهش احترام متقابل بین همسران و افزایش بی سابقه خشونت خانوادگی را با همدیگر مرتبط می دانند، البته به عنوان یک موضوعی که اشتراک کنندگان بی درنگ از آن یاد آوری می کنند.^{۱۲} برخی از زنان اظهار داشتند که اعضای مرد خانواده تحت تأثیر پالیسی ها و عملکرد های مقامات بالفعل قرار گرفته اند و در نتیجه رفتار زنستیزانه آنها بیشتر شده است. مقامات بالفعل سنت های اجتماعی را مطرح نموده اند که به خاطر رفتار اعضای زن خانواده، مردان را مسئول می دانند^{۱۳}، که از یک سو به مردان جسارت بیشتر می بخشد تا زنان را در خانه کنترل نمایند و از سوی دیگر ایدئولوژی های محافظه کارانه اجتماعی را تقویت می بخشد. مقامات بالفعل با مسئول دانستن مردان در برابر اطاعت زنان از احکام، صلاحیت و استقلالیت فردی مردان در خانواده را نیز زیر پا نموده اند. نظرسنجی اخیر گالوپ پیامد های محدودیت های اعمال شده بر جایگاه زنان در جامعه را به صورت همه جانبه بازتاب داده است و نشان دهنده آنست که صرف ۱۷ درصد زنان و ۳۶ درصد مردان افغان به این باور اند که با زنان رفتار محترمانه صورت می گیرد.^{۱۴}

محبوس ساختن زنان در خانه و روابط اجتماعی رو به وخامت، باعث محدود شدن توانایی دریافت معلومات و در نتیجه کاهش دسترسی آنها به خدمات، به شمول کمک های بشردوستانه شده است. زنان، در مقایسه با مردان از مدت ها بدینسو به اطلاعات دسترسی کمتر دارند، البته با در نظر داشت سطح سواد پایین تر^{۱۵}، دسترسی به تلفون همراه و انترنت. روابط جمعی غیررسمی که برای زنان جهت دستیابی به معلومات حیاتی می باشد، از اثر اعمال محدودیت های که بر تجرید و اتکای زنان به اعضای مرد خانواده متمرکز اند، تا حد زیادی قطع شده است.^{۱۶} خاصاً، این حالت در بحران بشری فعلی و شرایطی که زنان از خانه های شان بیجا شده اند و بی نهایت نیازمند اند، منجمله از اثر وقوع زلزله در غرب افغانستان و عودت اجباری در مناطق سرحدی، شدیداً نگران کننده می باشد [لطفاً به جعبه ذیل مراجعه نمایید]. دسترسی به معلومات، عمدتاً زنان را قادر می سازد تا به کمک های بشردوستانه دست یابند و راجع به زندگی و معیشت خود تصمیم آگاهانه اتخاذ نمایند و در نتیجه حقوق بنیادی شان تحقق یابد.

نفوذ و مشارکت

رویهمرفته در تمام ربع های سال ۲۰۲۳، در سطح نفوذ زنان در خانه، خانواده بزرگتر و جامعه، که توسط خود آنان گزارش شده است، کاهش رونما گردیده است. تنها در جریان ۱۰ ماه، میزان زنانیکه سطح نفوذ «خوب» یا «کامل» را در خانواده گزارش داده اند، از ۹۰ درصد در ماه جنوری ۲۰۲۳ به ۳۹ درصد در ماه نوامبر ۲۰۲۳ کاهش یافته است، به همین ترتیب سطح نفوذ زنان در جامعه، از ۱۷ درصد به ۵ درصد کاهش یافته است. برخی از پاسخ دهندگان خاطر نشان نموده اند که سطح نفوذ زنان در خانواده ها متفاوت است. در یک تعداد ساحات، سلسله مراتب دیگر مانند سن و سال نقش داشته اند، که در واقع به زنان کهنسال حق می داد تا در پیوند با یکسده مسایل مشخص در

^{۱۱} در میزان زنانیکه در رابطه به صحت روانی شان گزارش داده اند، در طی جلسات مشوره در ماه های اپریل، جولای و نوامبر سال ۲۰۲۳ تغییرات ذیل رونما گردیده است: آنسده زنانیکه گزارش داده اند که صحت روانی شان «به گونه قابل ملاحظه بدتر شده است» (بالترتیب در ماه های یاد شده ۵۷ درصد، ۶۹ درصد و ۴۷ درصد می باشد). آنسده زنانیکه گزارش داده اند که صحت روانی شان «اندکی بدتر شده است» (بالترتیب در ماه های یاد شده ۳۳ درصد، ۲۲ درصد و ۲۴ درصد می باشد). آنسده زنانیکه گزارش داده اند که صحت روانی شان «بدون تغییر و به حالت خود باقی مانده است» (بالترتیب در ماه های یاد شده ۸ درصد، ۷ درصد و ۱۸ درصد می باشد). آنسده زنانیکه گزارش داده اند که صحت روانی شان «اندکی بهبود یافته است» (بالترتیب در ماه های یاد شده صفر درصد، صفر درصد و ۲ درصد می باشد) و آنسده زنانیکه گزارش داده اند که صحت روانی شان «به گونه قابل ملاحظه بهبود یافته است» (بالترتیب در ماه های یاد شده صفر درصد، صفر درصد و ۲ درصد می باشد).

^{۱۲} این موضوع به مراتب در مشوره های ریعوار مطرح شده است.
^{۱۳} در حکم رعایت حجاب توسط زنان، به صورت مشخص محارم آنها مسئول پنداشته می شوند که رعایت آن را کنترل کنند. لطفاً به گزارش کی. کلارک و اس. رحیمی، سال ۲۰۲۲ مراجعه نمایید، «ما نیز حق نفس کشیدن داریم»: زنان در سرتاسر افغانستان مکلف اند از حکم حجاب طالبان پیروی نمایند. در لینک ذیل (We Need to Breathe Too: Women Across Afghanistan Navigate the Taliban's Hijab Ruling) قابل دسترسی می باشد. کابل: شبکه تبلیگران افغانستان.

^{۱۴} گالوپ، سال ۲۰۲۳. «ممنوعیت آزادی، برای زنان افغان فقط رنج به ارمغان می آورد». در لینک ذیل (Freedom Fades, Suffering Remains for Women in Afghanistan) قابل دسترسی می باشد. مؤرخ ۱۰ نوامبر.
^{۱۵} میزان سواد زنان در مناطق روستایی (۱۶ درصد) در مقایسه با مناطق شهری (۴۰ درصد) کمتر است، همچنان در هر دو مناطق یاد شده در مقایسه با میزان سواد مردان در سطح ملی (۵۵ درصد) کمتر می باشد. لطفاً به بخش ذیل مراجعه نمایید: دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، سال ۲۰۲۳. بررسی نیازمندیهای بشردوستانه سال ۲۰۲۳. دفتر یونسکو، سال ۲۰۲۳. «یونسکو در کنار تمام افغان ها قرار دارد، تا جوانان و بزرگسالان افغان، خاصاً زنان و دختران، تا سال ۲۰۳۰ از نعمت سواد و خوانش و حساب برخوردار شوند». بیانیه مطبوعاتی، مؤرخ ۲۰ اپریل در لینک ذیل (UNESCO Stands with All Afghans to Ensure Youth and Adults in Afghanistan, Especially Women and Girls, Achieve Literacy and Numeracy by 2030). قابل دسترسی می باشد.

^{۱۶} یافته های یک مطالعه که در این اواخر راه اندازی شده است، نشان می دهد که زنان در مقایسه به مردان در مورد کمک های بشردوستانه قابل دسترسی کمتر دارند (۳۷ درصد زنان آگاهی ندارند، در مقایسه با ۲۸ درصد مردان). لطفاً به بخش ذیل مراجعه نمایید: راه های حل مبتنی بر حقایق و خدمات مشوره دهی سلمی، سال ۲۰۲۳. مبارزه علیه ناسامانی ها: تقویت حسابداری در برابر زنان و دختران در افغانستان.

تصمیم‌گیری نفوذ داشته باشد. اما، با وجود برخی تفاوت‌های ناچیز در سن و سال، شماری زیادی از زنان اظهار داشته‌اند که آنها به ندرت اجازه دارند که در تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. در مواردی که اختلاف نظر یا خشونت ظهور نموده باشد، همواره به نفع مردان تصمیم اتخاذ شده است.

زنان تاکید ورزیدند که آموزش و توانمندسازی اقتصادی، بالای بهبود جایگاه و نفوذ آنها در تصمیم‌گیری خانواده و جامعه، اثرگذار می‌باشد. این امر از مدت‌ها بدینسو در سطح ولایت و سطح ملی محسوس بوده و طوری پنداشته می‌شود که آموزش یکی از عوامل کلیدی مشروعیت بخشیدن به زنان می‌باشد که به نوبه خود باعث می‌شود تا آنها در تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند^{۱۷}. اعمال محدودیت‌ها بر آموزش و اشتغال زنان، باورهای ناپسند موجود مبنی بر اینکه گویا زنان فاقد دانش و قدرت‌اند، از اینرو ارزش ندارد به حرف آنها گوش داده شود و یا همراه آنان تعامل صورت گیرد، را تقویت می‌بخشد. از یک روایت مشابه دیگر مبنی بر اینکه زنان از شایستگی لازم رهبری عامه برخوردار نیستند، به صورت منظم حتی در دولت جمهوری افغانستان برای نادیده گرفتن و یا حذف زنان، به شمول مذاکرات بین‌افغانی که قبل از به قدرت رسیدن طالبان انجام یافته‌اند، استفاده به عمل آمده است.^{۱۸} اعمال محدودیت‌های کنونی بر آموزش و اشتغال، روند تقویت سنت‌های اجتماعی مردسالارانه حذف‌کننده را به مخاطره می‌اندازد و باعث می‌شود تا نسلی از زنان فاقد شایستگی و مهارت‌های رهبری باقی بمانند.

عدم مشارکت رسمی زنان در تصمیم‌گیری عامه، آنان را به دریافت راه‌های غیررسمی و مبتکرانه وا داشته است تا بتوانند در تصمیم‌گیری و حل منازعات نقش ایفا نمایند. زنان از مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های کلیدی برخوردارند تا بتوانند در خانواده، جوامع و در سطوح ولایتی و ملی نقش‌های رهبری کننده داشته باشند. اما، متأسفانه سنت‌های ناپسند اجتماعی که بنابر محدودیت آنها از حقوق‌شان، وخامت بیشتر کسب نموده است، زنان را از مطرح ساختن خودشان و خودمختاری‌شان باز داشته است و عملاً صدای آنان را در مجامع عامه و خصوصی خفه نموده است. زنان واضح ساختند که خودمختاری و استقلالیت، با سنت‌های ناپسند اجتماعی که آنها را در خانه حبس می‌کنند، چگونه در تضاد مستقیم واقع است. بالمقابل، توقع می‌رفت که مردان بر زندگی زنان کنترل قابل ملاحظه داشته باشند. یک تن از پاسخ‌دهندگان با گفتن «جایی که مردان است، حاجت به زنان نیست» پیامد این موضوع را واضح نمود.

تغییرات اقلیم

تقریباً بیشتر از نصف (۵۳ درصد) پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که زنان در جوامع مربوطه‌شان از عوامل و پیامد‌های تغییرات اقلیم آگاهی دارند. یک بر سه حصه (۳۵ درصد) پاسخ‌دهندگان خاطر نشان نموده‌اند که زنان در جوامع مربوطه‌شان در مورد آن آگاهی ندارند. کمبود آب، خشکسالی و آلودگی هوا به عنوان معمولترین مشکلات محیط زیست به شمار می‌رفتند، که بر دسترسی به غذا و آب، معیشت و خدمات اولیه مانند مکاتب و کلینیک‌های صحتی اثرگذار بود. یک‌عده پاسخ‌دهندگان به فشارهای که محیط بالای انسجام اجتماعی وارد می‌نماید و عمدتاً ناشی از کمبود شدید منابع و مهاجرت می‌باشد، پرداختند. اینگونه چالش‌ها و خطرات زنان را به گونه نامتناسب متأثر ساخته‌اند. تهیه نمودن آب آشامیدنی از مسافت دور، میزان خطر خشونت مبتنی بر جنسیت را در میان زنان، دختران و پسران افزایش بخشیده است، در حالیکه واگذاری سایر امور دشوار منزل که از لحاظ سنتی به مردان نسبت داده می‌شوند، می‌تواند برای زنان و دختران خجالت‌آور باشد و زمینه را به اصطکاک و انزوای اجتماعی فراهم سازد.

زنان روش‌های شمولیت‌شان در امور رسیدگی به تغییرات اقلیم و مسایل مرتبط به محیط زیست را توضیح نمودند. به عنوان مثال، آنها برای ایجاد و عضویت در کمیته‌های کاهش خطرات ناشی از حوادث طبیعی و رسیدگی به محیط زیست، اشتراک در بحثها و رهبری کمپاین‌های آگاهی‌دهی عامه در مورد کاهش آلودگی هوا و ترویج و تقویت حفاظت از محیط زیست و ذخایر آب، از دل و جان آماده بودند. شماری از زنان پیشنهاد نمودند که فشارهای اقلیمی زمینه را برای زنان و مردان فراهم می‌سازد تا از نقش‌های جنسیتی پذیرفته شده گام‌های فراتر بردارند، قسمی که زنان بتوانند در عرصه محافظت از خانواده و جامعه نقش‌های سنتی مردانه را بر عهده گیرند.

بیجا شدگی

بیجا شدن از خانه و مهاجرت، خاصتاً وقوع زلزله‌های اخیر و عودت اجباری مهاجرین، اکثریت جوامع را در گوشه‌های مختلف افغانستان متأثر ساخته‌اند [لطفاً به جعبه ذیل مراجعه نمایید]. زنان به صورت عموم مشکلات کارایی، دسترسی ناچیز به خدمات، خشکسالی و خشونت‌ها، را از دلایل عمده مهاجرت مردم برشمرده‌اند. برخی از زنان به مهاجرت به خارج از کشور به خاطر دستیابی به فرصت‌های اشتغال و تحصیل، مصونیت و آزادی بیشتر تمایل نشان داده‌اند و خاطر نشان نموده‌اند که بحران حقوق زنان چگونه باعث شده است تا بحران درآمدت‌بیجا شدن و کوچیدن عمیق‌تر شود. هزینه‌های مالی و از دست دادن سیستم‌های حمایت‌کننده خانواده و دوستان، عمده‌ترین موانعی به شمار می‌روند که آنها را به عقب کشانیده است.

^{۱۷} اس. ویکفیلد و بی. باور، سال ۲۰۰۵. جایگاه در میز: زنان افغان، مردان و صلاحیت تصمیم‌گیری. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU). ای. لارسون و ان. کوبورن. سال ۲۰۲۰. همبستگی، قدرت و موضوع. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU).
^{۱۸} ای. نجات و جی. مرتضی شاه ولی. سال ۲۰۱۵. نقش‌های رهبری کننده زنان در افغانستان. در لینک ذیل (Women's Leadership Roles in Afghanistan) قابل دسترسی می‌باشد. واشنگتن: انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا. اس. ویکفیلد، سال ۲۰۰۴. جنسیت و تصمیم‌گیری در سطح محلی: یافته‌های یک مطالعه قبیله در شهر مزار شریف.

اعضای ذکور خانواده اکثراً به تنهایی دست به مهاجرت زده اند و هدف اصلی شان دستیابی به فرصت های شغلی می باشد. شماری از زنان یادآوری نموده اند که بعد از رفتن اعضای ذکور خانواده شان، احساس ناامنی می نمایند و برای آنان بیرون شدن از خانه بدون محرم دشوارتر شده است. آنگاه زنانه می خواستند از خانه های شان بیجا شوند، در مورد اهمیت دسترسی به تسهیلات (مانند بازار ها، خدمات صحتی و مکاتب) و ترانسپورت، فرصت های شغلی و کاریابی و نزدیک بودن به خانواده ها، یادآوری نمودند.

زنان خاطر نشان نمودند که جنسیت در شرایط بیجا شدن از خانه، خاصاً برای زنانه که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند، زنان بیوه، زنان دارای معلولیت و زنانی که از نعمت سواد محروم اند، بزرگترین نشانه آسیب پذیری می باشد. این زنان از لحاظ گشت و گذار، دسترسی به آموزش و اشتغال، و دستیابی به معلومات برای دریافت خدمات و حمایت کلیدی با موانع بیشتر دست و گریبان بودند. کار کردن در خانه، که در حال حاضر در سرتاسر افغانستان برای زنان یک شغل کلیدی محسوب می شود، در برابر پیامد های ناگوار بیجا شدن از خانه، به ویژه از طریق از دست دادن شبکه های غیررسمی جهت دریافت مشتریان و خریداران و مشکلات در انتقال مواد و وسایل، به صورت خاص آسیب پذیر بوده است.

وقوع زلزله در زون غرب افغانستان



از تاریخ ۷ الی ۱۵ اکتوبر، چهار زلزله نیرومند (۶٫۳ ریشتر) ولایت هرات را در غرب افغانستان تکان داد، که تخریب، مجروحیت و تلفات جانی گسترده به دنبال داشت. زلزله ها جوامع از قبل آسیب پذیر را شدیداً متاثر نمود و از باعث آن هزاران نفر نیازمند کمک های بشردوستانه بوده و قبل از فرا رسیدن زمستان استقامت و ایستادگی ناچیز شان را از دست دادند. زنان و دختران نیز به گونه نامتناسب متاثر شده اند و تخمین زده شده است که ۵۴ درصد افرادی که زندگی شان را از دست داده اند، ۵۸ درصد مجروحین، و ۶۱ درصد افراد ناپدید شده را زنان تشکیل داده است.^{۱۹} این عدم تناسب عمدتاً ناشی از احتمال بیشتر موجودیت زنان در خانه های شان بوده است و هم با سنت های فرهنگی و هم با محدودیت های محدود کننده آزادی حرکتی اعمال شده توسط مقامات بالفعل و فرصت های بیرون از خانه، ارتباط دارد.^{۲۰}

زنان افغان از اثر حوادث طبیعی به گونه نامتناسب متاثر شده اند، که عمدتاً ناشی از ترکیب مغلق سنت های ناپسند و محدود کننده جنسیتی، محدودیت دسترسی به آموزش و مراقبت های صحتی، دسترسی ناکافی به منابع و فرصت های معیشتی، و نفوذ محدود در تصمیم گیری، می باشد. این موارد دست به دست هم داده و میزان معروض شدن و آسیب پذیری زنان و دختران در برابر حوادث طبیعی را افزایش بخشیده و بالمقابل استقامت و ایستادگی آنها را از لحاظ آمادگی و ظرفیت مقابله کاهش می بخشد. در سطح جهان، زنان و اطفال ۱۴ مرتبه بیشتر از مردان با خطرات ناشی از حوادث طبیعی روبرو اند.^{۲۱}

ممنوعیت کار زنان افغان در مؤسسات غیردولتی ملی و بینالمللی و سازمان ملل متحد، در برابر فعالیت های بشردوستانه جنسیتی مانع قابل ملاحظه ایجاد می نماید. سنت های ناپسند و محافظه کارانه اجتماعی و محدودیت های اعمال شده توسط مقامات بالفعل بدین معناست که کارمندان ذکور مؤسسات غیردولتی تا حد زیادی به زنان افغان دسترسی ندارند. صرف مردانی که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند، به کمک های ارائه شده توسط کارمندان ذکور مؤسسات بشردوستانه دسترسی دارند. زنانه که کارکنان امدادسانی زن وجود نداشته باشند، زنان، خاصاً آنهایکه در خانواده شان مرد ندارند، مانند بیوه ها و زنانه که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند، از پروسه های گزینش، نیازسنجی، توزیع کمک ها و میکانیسم های ارائه نظریات کنار زده می شوند. این امر سبب می شود تا آنها به هیچگونه کمک حیاتبخش دسترسی نداشته باشند.

عودت اجباری از پاکستان



گفته می شود که عودت اجباری افغان های فاقد اسناد از کشور پاکستان، تقریباً ۱٫۷ میلیون افغان های را که اکثریت شان را زنان و اطفال تشکیل می دهند متاثر سازد و بدین ترتیب چالش های زنان و دختران افغان را تشدید نماید.^{۲۲} دولت پاکستان روند اخراج اجباری مهاجرین افغان را به تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۲۳ آغاز نمود. این کار در حالی صورت گرفت که کمیشنی عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان از ماه اگست سال ۲۰۲۱ بدینسو بنابر موجودیت بحران و خطر قابل ملاحظه آزار و اذیت و نقض حقوق بشر، در مورد عدم اخراج افغانها با پاکستان مشوره های مکرر انجام داده است. این برای شماری زیادی از زنان مدافع حقوق بشر که پس از ماه

^{۱۹} سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) سال ۲۰۲۳. ارزیابی سریع چند سکوری، مؤرخ ۱۲ نوامبر.

^{۲۰} جهت دریافت معلومات مزید، لطفاً به بخش ذیل مراجعه نمایید: گروه کاری مدنظر گرفتن جنسیت در فعالیت های بشردوستانه، سال ۲۰۲۳. در لینک ذیل (Earthquake in Herat Province: # Gender Update) قابل دسترسی می باشد. معلومات تازه در مورد جنسیت شماره دوم: وقوع زلزله در ولایت هرات. کابل: گروه کاری مدنظر گرفتن جنسیت در فعالیت های بشردوستانه.

^{۲۱} پلان بین المللی، سال ۲۰۱۳. وضعیت دختران جهان در سال ۲۰۱۳: دختران نوجوان و حوادث طبیعی در لینک ذیل (Adolescent Girls and Disasters: ۲۰۱۳ The State of the World's Girls) قابل دسترسی می باشد.

^{۲۲} الی تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۲۳، به تعداد ۳۵۰۰۰ مهاجرین افغان اخراج شده بودند.

اگست سال ۲۰۲۱ کشور شان را ترک نموده اند یک نگرانی ویژه بوده و اکنون به صورت اجباری دوباره با خطر روبرو شده اند. ممنوعیت کار زنان در مؤسسات غیردولتی و سازمان ملل متحد، مانع مشارکت کارکنان زن در فعالیت های پاسخدهی خواهد شد و زنان و اطفال را با خطر محروم شدن از حمایت حیاتبخش مواجه می سازند.

شماری زیادی از عودت کنندگان مجبور شده اند وسایل و داشته های شان را رها کنند و بیجا شدن درازمدت را تجربه نمایند. زنان و دختران با گذشت هر روز، با معروض شدن با یک محیط مخاطره آمیز و غیرمضمون فاقد تسهیلات و سرپناه کافی و بنابر مکلفیت های نامتناسب خانوادگی و مراقبت کننده، با خطرات صحت روانی و محافظتی روبرو خواهند شد. این چشم انداز اهمیت حیاتی حصول اطمینان از فعالیت های کارکنان زن امدادرسانی را تقویت می بخشد، تا آنها بتوانند مستقیماً در شرایط بیجا شدن از خانه به زنان و دختران رسیدگی نمایند و کمک های پاسخگو در برابر نیازمندیهای جنسیتی را به آنان ارائه نمایند.

تطبيق محدودیت ها



تقریباً نیم (۴۸ درصد) زنانیکه به آنها مشوره صورت گرفته است، خاطر نشان نموده اند، که با گذشت زمان سختگیری در تطبيق محدودیت ها بیشتر شده است. قابل یاد آورست که این رقم از ۶۲ درصد در ماه جولای کاهش یافته است. این در حالی است که تعداد قابل ملاحظه زنان (۳۲ درصد) گزارش داده اند که به نظر آنها سختگیری در تطبيق محدودیت کمتر شده است و توقع می رود با گذشت زمان بیشتر کاهش یابد. این رقم از ۱۹ درصد در ماه جولای افزایش یافته است.^{۳۳} تفاوت در نمایندگی منطوقی در میان پاسخ دهندگان در تمام سروی های ربعوار می تواند توأم با یک مقدار تغییرات باشد. اما، هنوز هم به تحقق هدف در حال تکامل مقامات بالفعل که همانا اعمال محدودیت ها در برابر زنان می باشد، دلالت می کند، علی الخصوص هدف قرار دادن تغییرات رفتاری و فرهنگی در حالاتیکه تطبيق اولیه آن به شدت مطرح بحث باشد، و با گذشت زمان توسط ایجاد سهولت تدریجی در تطبيق محدودیت ها دنبال می شود، زیرا به سنت های محافظه کارانه تر رو آورده می شود و خانواده ها و جوامع وادار می شوند که خود نقش پولیس را ایفا کنند و یا به خودسانسوری بپردازند. همچنان، اینگونه نرمش در تطبيق محدودیت ها می تواند نشان دهنده این باشد که زنان به محدودیت ها عادت کرده اند و دیگر برای شان زیاد طاقت فرسا نیست، که در مجموع دلالت به عادی سازی اوضاع می نماید. بحثهای که با کارکنان زن در مؤسسات غیردولتی صورت گرفته اند، حاکی از آنست که برای آنها فرصت ناچیز جهت مشارکت و حمایت از مقامات بالفعل فراهم می شود، که به ایستادگی و قابلیت آنها در پیشبرد فعالیت های مرتبط به حقوق زنان و مسایل جنسیتی در یک سیستم متخاصم اشاره می نماید.

برداشت ها در مورد تطبيق محدودیت ها از لحاظ جغرافیایی متفاوت بود. در زون جنوب، از مدت ها بدینسو آزادی زنان بیشتر تحت کنترل سنت های اجتماعی محافظه کارانه قرار دارد، که می تواند دلیل برداشت زنان در مورد سختگیری کمتر در تطبيق محدودیت ها باشد. همچنان، دلالت به نشانه های عادی سازی می نماید. اکثریت زنان (۵۵ درصد) در سرتاسر زون جنوب به این باور بودند که محدودیت ها با در نظر داشت استثنائات تطبيق می شود.^{۳۴} به طور اوسط در سطح ملی، اکثریت زنان (۶۰ درصد) گفته اند که محدودیت ها بدون هرگونه استثنا تطبيق شده اند.

تعامل با مقامات بالفعل



همچنان، زنان در تمام سطوح در مورد تعامل محدود با مسوولان مقامات بالفعل گزارش داده اند و خاطر نشان نموده اند که در پیوند با مسایل مهم از لحاظ دسترسی به دفاتر مقامات بالفعل با رعایت داشتن محرم (همراه مرد) هیچگونه مانع وجود ندارد. عدم حضور زنان در ساختار های مقامات بالفعل، با در نظر داشت تفکیک جدی که از لحاظ جنسیت در محل کار مدنظر گرفته شده است، زمینه ملاقات زنان را با مقامات بالفعل چالش برانگیز ساخته است. زنان بر اهمیت روی دست گرفتن ترکیبی از ستراتیژی های مستقیم و غیرمستقیم اشاره نموده اند، تا مشارکت سیاسی زنان، به شمول برگشت آنان به خدمات ملکی افزایش یابد و آنها به محافظت قانونی و تحقق حقوق شان دست یابند. یک عده زنان اظهار داشته اند که آنها موفق شده اند که از اعضای مرد خانواده بخواهند تا به نفع آنان دادخواهی نمایند. همچنان، آنها پیشنهاد نموده اند که هرگاه از رهبران قومی و مذهبی مرد خواسته شود تا به نمایندگی از آنان صحبت کنند، در آن صورت نتایج مثبت بیشتری در پی خواهد داشت. علی الخصوص، در زون جنوب کشور که بیشتر محافظه کار به نظر می رسد، زنان برای تعامل با مقامات بالفعل به منظور تجدید نظر در مورد فرامین، بیشتر بالای دست اندرکاران محلی، مانند رهبران مرد جامعه و مؤسسات غیردولتی مبتنی بر جامعه یا گروه های جامعه مدنی است، حساب می کنند، تا اینکه بازیگران بین المللی را ترجیح دهند. در حالیکه زنان همچنان دادخواهی در راستای مشارکت غیرمستقیم شان، منجمله از طریق اعضای مرد خانواده، جامعه مردان، رهبران مذهبی و جامعه بین المللی، را ادامه می دهند، بلافاصله می خواهند در میز تصمیم گیری نیز حضور داشته باشند، و زنان مدت ها قبل از حاکمیت طالبان در مورد این درخواست اصرار می ورزیدند.

^{۳۳} میزان زنانیکه خاطر نشان نموده اند که تطبيق محدودیت ها سخت تر شده است، از ۱۹ درصد در ماه جولای به ۲۷ درصد در ماه نوامبر افزایش کسب نموده است. میزان زنانیکه خاطر نشان نموده اند که تطبيق محدودیت ها بسیار سخت شده است، الی ۴ درصد کاهش یافته است. میزان زنانیکه خاطر نشان نموده اند که تطبيق محدودیت ها به استثنای یک عده موارد، تا حدی سخت تر شده است، ۷ درصد افزایش یافته است.

^{۳۴} در زون جنوب کشور (قندهار، نیمروز، زابل، ارزگان و هلمند)، در مقایسه با اوسط ملی، تطبيق محدودیت ها بسیار اندک می باشد، مطابق ۶ درصد، بالاترین در مقایسه با ۲ درصد. «تطبيق محدودیت ها تا حدی سخت تر شده است»، اما در آن استثنائات وجود داشته است، مطابق ۴۸ درصد، بالاترین در مقایسه با ۲۳ درصد، «تطبيق محدودیت ها بسیار سخت تر شده است (بدون استثنا)»، مطابق ۴۸ درصد، بالاترین در مقایسه با ۲۰ درصد، بوده است.

توصیه ها برای جامعه بین المللی

زنان از جامعه بین‌المللی تقاضا به عمل آورده اند تا از طریق واردن نمودن فشار دوامدار بر مقامات بالفعل، وضعیت زنان را بهبود بخشد. (۴۳ درصد) آنها پیشنهاد نموده اند که کمک های بین المللی را با بهبود وضعیت زنان ارتباط دهید، (۳۹ درصد) آنها پیشنهاد نموده اند که فرصت های صحبت مستقیم زنان را با طالبان تسهیل بخشید و شماری زیادی از زنان تقاضا نموده اند که باید از هر دو ستراتیژی فوق به صورت موازی استفاده به عمل آید.^{۲۶} طوری به نظر می رسد که به ۱۵ ماه گذشته رجحان زنان تغییر نموده است و آنها خواهان اعمال فشار اقتصادی و دیپلماتیک در برابر طالبان توسط جامعه بین المللی می باشد و در عین زمان از آنها می خواهند که به عوض اینکه به مواضع قبلی خود که همانا بحثهای مستقیم و دادخواهی با مقامات بالفعل می باشد، تأکید ورزند، باید فرصت مناسب را برای زنان افغان فراهم سازند، تا آنها بتوانند برای حقوق خویش دادخواهی نمایند.^{۲۷} در هر یک از دوره های مشوره در مورد درخواست ایجاد کانال های مشارکت زنان تأکید صورت گرفته است، زیرا زنان آن را به عنوان یگانه راه مشارکت در تصمیم گیری عامه می پندارند.

با وجود آنکه زنان ترجیح می دهند مستقیماً برای خود دادخواهی نمایند، آنها خاطر نشان نموده اند که با در نظر داشت محدودیت ها و عملکرد های کنونی اعمال شده توسط مقامات بالفعل، سازمان ملل متحد و نمایندگان جامعه بین‌المللی که در سطح محلی فعالیت دارند، از لحاظ تعامل مستقیم با مقامات بالفعل در عرصه تجدید نظر در مورد محدودیت ها و مذاکره در مورد معافیت های محلی، عملاً از یک موقف بهتر برخوردار اند. از زمان مشوره قبلی که در ماه جولای ۲۰۲۳ انجام یافته است تا کنون زنان به نمایندگان جامعه بین المللی که در سطح محلی فعالیت دارند، اهمیت بیشتر می دهند.^{۲۷} این می تواند دلالت به تمرکز بر جستجوی راه های حل عملی و معافیت ها و نفوذ محدود بازیگران بین‌المللی در سطح مرکزی، خاصاً بالای رهبری طالبان مقیم قندهار نماید.

همچنان، زنان از سازمان ملل متحد و نمایندگان جامعه بین‌المللی که با مقامات بالفعل دیدار می کنند، تقاضا به عمل آورده اند تا بر نیاز به مشارکت زنان، به عنوان نیمی از پیکر جامعه، تأکید ورزند و هزینه هنگفت مالی را که اقتصاد و انکشاف درازمدت کشور متحمل خواهد شد، به تصویر بکشند. به باور زنان استدلال ها در مورد حقوق بالای طالبان تأثیرات ناچیز داشته است. آنها مطرح ساختن مسایل مرتبط به حقوق زنان را از طریق استدلال های موثر ترغیب نموده اند، که یکی از مثال های آن موثریت مشارکت زنان در شکل گیری جوامع موفقیت آمیز و مسالمت آمیز بوده است.

زنان در مورد اهمیت مشارکت مردان خانواده و جامعه و رهبران مذهبی و قومی مرد، جهت حمایت از دادخواهی برای زنان، نه تنها پیرامون مسایل جداگانه، بلکه در عرصه تجدید نظر در مورد محدودیت های اعمال شده در برابر حقوق زنان، تأکید مجدد و همه جانبه نموده اند. این کار را می توان از طریق راه اندازی کمپاین های آگاهی دهی عامه در برنامه های تلویزیونی و رادیویی انجام داد.

علاوتاً، زنان از بازیگران بین‌المللی تقاضا به عمل آورده اند تا از توانمندسازی اقتصادی زنان، به شمول رسیدگی به فقر و پیامد های آن بالای صحت روانی و سایر پیامد های آن، حمایت همه جانبه نمایند و میزان دسترسی و نفوذ زنان در تصمیم‌گیری را از سطح خانواده گرفته تا سطح ملی افزایش بخشند. آنها پیشنهاد نموده اند که باید برنامه های آموزشی ارتقای ظرفیت و معیشت راه اندازی شوند و فرصت های شغلی آنلاین و خانگی فراهم شوند. همچنان، حمایت مذکور می تواند همویل و یا تهیه مواد، وسایل و ماشین آلات را تحت پوشش قرار دهد.

زنان، از اقدامات وقایعی به منظور کاهش خطرات ناشی از حوادث طبیعی و تغییرات اقلیم، به عنوان اولویت مداخلات بین المللی در عرصه تغییرات اقلیم، یادآوری نموده اند. توصیه های که در این رابطه ارائه شده اند، شامل سرمایه‌گذاری بالای زیربنا های کاهش دهنده خطرات ناشی از حوادث طبیعی (دیوار های استنادی جهت کاهش خطرات سیلاب)، ایجاد منابع آب پایدار (مخزن ها و چاه ها) و تأمین منابع پاک تسخین (بخاری های برقی و مواد سوخت تمیز) می باشد. زنان از بازیگران بین‌المللی تقاضا به عمل آورده اند که با نهاد های حفاظت از محیط زیست از نزدیک کار نمایند، تا معیارات مصونیت را برای اعمار مسکن و زون بندی در مناطق پرخطر روی دست گیرند و سیستم های هشدار مقدم مبتنی بر جنسیت را ایجاد نمایند.

^{۲۶} به خاطر داشته باشید که زنان قادر بودند که برای این پرسش بیش از یک پاسخ را انتخاب نمایند.

^{۲۷} در مقایسه با یک سروی کمیت که به سطح ملی که توسط پشنو در ماه اگست سال ۲۰۲۲ انجام یافته است، میزان زنانیکه از جامعه بین‌المللی تقاضا نموده اند که کمک های بین‌المللی را به بهبود وضعیت زنان ارتباط دهند، از ۲۱ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافته است و میزان زنانیکه از جامعه بین‌المللی خواسته اند که فرصت های صحبت مستقیم زنان را با طالبان تسهیل بخشید از ۲۱ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است. همچنان، میزان زنانیکه از جامعه بین‌المللی خواسته اند که با طالبان مستقیماً بحث و دادخواهی نمایند، از ۲۴ درصد به ۱۵ درصد و میزان به رسمیت شناختن طالبان از ۱۱ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است. این پرسش ها با استفاده از ابزار های مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند و صرفاً باید به عنوان شاخص مدنظر گرفته شوند. لطفاً به گزارش سال ۲۰۲۲ پشنو تحت عنوان «اولویت های کلیدی زنان افغان» ۳۱ اگست مراجعه نمایید. در لینک ذیل (Afghan Women's Key Priorities) قابل دسترسی می باشد.

^{۲۸} میزان زنانیکه گزینه «نمایندگان بین المللی که در سطح محلی فعالیت می نمایند» را انتخاب نموده اند، از ۸ درصد در ماه جولای به ۲۱ درصد در ماه نوامبر افزایش یافته کسب نموده است. میزان انتخاب نمایندگان سازمان ملل متحد در ماه جولای ۴۷ درصد کاهش یافته است و در ماه نوامبر به ۲۳ درصد تقرب نموده است.